یادداشت

«مصائب شیرین» یک وزارتخانه

علی حیدری
نایب‌رئیس هیئت‌مدیره تامین‌اجتماعی

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ماحصل ادغام سه وزارتخانه «تعاون»، «کار و امور اجتماعی» و «رفاه و تامین اجتماعی» در دولت دهم بود. این وزارتخانه در شرایطی به دولت تدبیر و امید تحویل داده شد که بسیاری از حیطه‌های کارکردی و عملکردی آن بنا بر تصمیمات دولت قبل و با رویکردهای پوپولیستی اتخاذی در وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرائی غیرمرتبط با حوزه رفاه و تامین اجتماعی اجرائی شده بود. بخش درخورتوجهی از مناسخ اختصاصی حوزه رفاه و تامین اجتماعی که باید کارکرد خدمات اجتماعی پیدا می‌کرد، خارج از نظام رفاه و تامین اجتماعی هزینه بود و به خاطر حقوق مکتسبه ایجادشده و توقعاتی که دامن زده شده بود، تغییر جهت این منابع به‌راحتی امکان‌پذیر نبود.

به عنوان مثال سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در دولت هشتم ابلاغ شد. ولی بند «ب» آن که ناظر بر واگذاری سهام دولتی و خصوصی‌سازی بود در دولت نهم ابلاغ شد و دولت مزبور بخش درخورتوجهی از واگذاری‌ها را انجام داد و چیزی برای دولت بعد باقی نگذاشت. به‌ویژه آنکه در این واگذاری‌های دولت نهم برخلاف نص صریح سیاست‌های کلی اصل ۴۴ که مقرر کرده بود بخشی از منابع حاصل از فروش سهام دولتی، صرف تقویت نظام تامین اجتماعی (صندوق‌های بازنشستگی مربوطه) شود، نه‌تنها این تقویت صورت نگرفت بلکه حتی بدهی‌های سنواتی و معوقه شرکت‌های واگذاری به صندوق‌های بازنشستگی محاسبه و تقویم نشد. به‌طور مثال غالب سهام دولتی صنعت فولاد به بخش خصوصی واگذار و صندوق فولاد وبال گردن وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی شد.

در حوزه‌های سهام عدالت، مسکن مهر و به‌ویژه هدفمندسازی یارانه‌ها و نیز تسهیلات اشتغال‌زایی وضع به همین منوال بود که منابع درخورتوجهی از بودجه عمومی صرف این طرح‌ها شد بدون اینکه کارکرد خدمات اجتماعی آنها مدنظر قرار گیرد و منجر به توانمندسازی اقشار و گروه‌های نیازمند شود و بخش یارانه‌های اجتماعی آن در چارچوب نظام رفاه و تامین اجتماعی سامان و سازمان یابد. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی میراث‌دار بسیاری از نابسامانی‌های ایجادشده دولت قبل در این حوزه شد. درحالی‌که منابع معتنابهی از کف دولت رفته بود و علاوه بر آن از لحاظ اجرائی، مجلس نیز به محض تغییر دولت، قوانین و مقرراتی را برای محدودکردن حیطه عمل دولت یازدهم و بستن دستان آقای روحانی تصویب کرد که عملا قدرت عمل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را محدود می‌کرد.

در حیطه اشتغال نیز وضع به همین منوال بود و دولت قبل در قالب طرح بنگاه‌های زودبازده نزدیک به ۳۰ هزار میلیارد تومان منابع را صرف پول‌پاشی کرده بود و نه‌تنها اشتغال پایدار ایجاد نشده بود، بلکه «بی‌کاران» را به «بی‌کار بدهکار» تبدیل کرد. صرف‌نظر از اثرات وضعی و انتقالی این حجم از نقدینگی بمیزانشده به بازار مسکن، بازار پولی و بانکی و... همچنین با انتقال صندوق فرصت‌های شغلی و ادغام آن در صندوق مهر و... عملا وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در یکی از فعالیت‌های سنواتی خود مسلوب‌الاختیار شده بود.

در حیطه هدفمندسازی یارانه‌ها نیز با وجود اینکه در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت (سال‌های ۸۵ و ۸۶) زیرساخت‌های مربوط به هدفمندسازی یارانه‌ها به موجب مواد ۱ و ۱۶ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی (نظیر پایگاه اطلاعات و...) فراهم شده بود تا هدفمندسازی یارانه‌ها در بستر نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی و با رویکرد خدمات اجتماعی عملیاتی شود، یکباره کار هدفمندسازی یارانه‌ها به مرکز آمار ایران و ۹۲ هم این رویکرد را دستخوش بی‌نسبتی کرد، و با همین کلاه به استیلای این راه دادند. اما اینکه کنرد وحانی در حوزه‌های فرهنگی و سیاست داخلی به اصلاح‌طلبان نزدیک شود و در موافقی نکاتی را مطرح کند که در دولت اصلاحات از طرف اصلاح‌طلبان هم مطرح نشده بود بدیده نبوغوری است که همچنان در باور جناح راست نمی‌گنجد. بنابراین باید بخشی از رفتارهای اخیر آنان را در این راستا ارزیابی کرد.

یعنی بخشی از مخالفت‌ها را در اثر شوکی می‌دانید که آقای روحانی به جریان مقابل وارد کرده است؟

شیرزاد: باید این شوک وارد شد. چون جریان مقابل این بود که چهره‌ای مانند دکتر روحانی در انتخابات ششمین مجلس برای جمع‌آوری رأی نشان می‌دهد، اما بعد از آن، می‌توان وی را مدیریت و مهار کرد. آنان به‌مرور فهمیدند دکتر روحانی قابل مدیریت نیست. در چنین شرایطی بعضی‌ها که فشارها را افزایش دهند و همه کارهایی را که آقای تاجزاده می‌کردند بر سر دکتر روحانی هم بیاورند. بالین‌حال اصرار دکتر روحانی این است که نشان دهند قابل مهار هستند. نکته دیگر این است که درهم‌ریختگی جناح اصولگرا که دکتر زیباکلام هم به آن اشاره کردند پدیده‌ای جدید و مهم است. اگر ما با جناح اصولگرای مدنی و سازمان‌یافته روبه‌رو بودیم که احزاب مشکل داشتند، کنفدراسیون گرفته برگزار می‌کردند، مرکزیت آنها مشخص بود، خط‌مشی سیاسی و اقتصادی روشنی را اعلام می‌کردند و با آن وفادار می‌ماندند، کار برای جریان اصلاحات و اعتدال آسان‌تر بود. اتفاقی که به موضوع سوکتسور و هم کار مستبرسی در ایران بود، مشکمیه که این ریقب متشکل را نداریم و این عقب‌ماندگی سیاسی و مدنی اصولگرایان مشکلی برای کشور است. اتفاقی که به‌نوعی این جناح را غیرقابل‌پیش‌بینی می‌کند. این وضعیت به‌گونه‌ای بود که تا یک ماه مانده به انتخابات حتی نمی‌دانستند چند کاندیدای اصلی دارند.

وقتی افرادی مثل بذرپاش و زاکانی در جمع کریمه‌های نهایی آنان قرار می‌گیرند، که یعنی این جریان با فقدان رجل سیاسی قابل طرح در کالبیر ریاست‌جمهوری مواجه است. از سوی دیگر برای خود من و بسیاری تحلیلگران اینکه ۱۴میلیون رای متکثر پشت رئیسی قرار بگیرد، اتفاق عجیبی بود. بنابراین نه می‌شود گفت جناح مشتت و درهم‌ریخته است، نه جناح منسجم؛ کاملا فضای احساسی همه هواداران جریان مقابل را پشت سر کسی سبز می‌کند و گاهی بسیار غیرمنجسم و درهم‌ریخته دیده می‌شوند و اختلافات بین آنها به اوج می‌رسد؛ مثلا اواخر دوران احمدی‌نژاد و حتی در جریان رقابت‌های انتخاباتی مجلس دهم. اما درباره نکته اصلی سؤال شما یعنی برخاتی به دولت، به‌عنوان یک نظریه می‌توان گفت رجل بسیار پارانویایی نیازمند، اعطای سبد کالا و... استفاده از تبلیغات، تبر نصیب رویکرد بنیادی است و طراحی و اجرای آن سخت و زمان‌بر است.

ادامه در صفحه ۱۱

نشست «شرق» با حضور صادق زیباکلام و احمد شیرزاد

هدف سنگ‌پراکنی‌ها ترساندن روحانی است

عکس: امیر حیدری شرق

حامد طیبی

فضای کمتر تجربه‌شده بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم، همچنان تعجب بسیاری از ناظران و کارشناسان سیاسی را برانگیخته است. معمولا بعد از هر انتخاباتی، جریان ناکام تصمیم می‌گیرد برای مدتی در سکوت کامل، دلایل ناکامی خود را بررسی کند و البته، فضا را برای پیشبرد برنامه‌های دولتی که از حمایت اکثریت مردم ایران برخوردار است، باز نگه دارد. در انتخابات سال ۹۲ و بعد از پیروزی روحانی، تا مدتی می‌شد شوک ناشی از ناکامی را در جریان مقابل دید. انفعال در بین آنان در حال گسترش بود. اما با وجود آرای ۲۴میلیونی دکتر روحانی در انتخابات اخیر، از همان فردای انتخابات، رویه‌های تقابلی ایام انتخابات، نه‌تنها فروکش نکرد که در برخی موارد افزایش هم یافت. «شرق» در نشستی با حضور صادق زیباکلام و احمد شیرزاد، به بررسی دلایل این اتفاق پرداخته است. این دو تحلیلگر سیاسی در یک بعدازظهر گرم تابستانی میهمان «شرق» شدند و در سخنان خود، علاوه بر تحلیل فضای موجود، توصیه‌هایی نیز به روحانی و همراهانش در مسیر دولت دوازدهم داشتند. زیباکلام، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران و از شناخته‌شده‌ترین نویسندگان رسانه‌ها و البته پای ثابت سخنرانی‌ها و مناظره‌ها در سراسر کشور است. احمد شیرزاد هم از استادان بنام فیزیک، عضو شورای مرکزی حزب مشارکت و رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس ششم است.

اگر فضای تند و رقابتی در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری، اتفاقی نه‌چندان عجیب باشد، اما تداوم و شدت آن بلافاصله بعد از انتخابات، آن هم از طرف رقیبی که نیازمند تأمل در دلایل ناکامی خود دارد، پدیده‌ای تجربه‌نشده است. نظر شما درباره دلایل رفتار تندرو شدید طیف جریان اصولگرا با روحانی، دولت و حتی رای‌دهندگان به او، چیست؟

زیباکلام: ما با چند موضوع مختلف در ماه‌های آینده مواجه هستیم؛ اینکه دکتر روحانی چه رویکردهای کلانی را برای دولت خود در چهار سال آینده دنبال خواهد کرد یا اینکه ترکیب کابینه دوازده‌هم که کدام سمت‌وسو می‌رود تا در کنار رئیس‌جمهور، از پس این فشارها بربیاید و کارکردهای تخریبی علیه خود را ناکارآمد کند و مباحثی از این دست، اما بحث اصلی من این است که اپوزیسیون اصلاحات و آقای روحانی در چهار سال آینده به کدام سمت‌وسو خواهند رفت و در سپهر سیاسی ما، مجموعه‌ای که به آنها اصولگرایان معتدل و میانه‌رو، طیف دولواسیان، جریانات تندتر و البته طرف‌داران احمدی‌نژاد می‌گویم، چه رویکردهایی اتخاذ خواهند کرد؟ تندتر یا کندتر خواهند شد؟ مواجهه و رویارویی با دولت روحانی معتدل‌تر می‌شود یا بغض و کینه بیشتری نشان داده می‌شود. فکر می‌کنم این مبحث اصلی است و البته مایلم نظر دکتر شیرزاد را هم درباره بدانم.

شیرزاد: فکر می‌کنم اتفاقاتی در راه است که شاید تحلیل آنها برای رسیدن به پاسخ سؤال شما مفید باشد. جناح راست باور دقیقی نسبت به آقای روحانی نداشت؛ چه در جناح راست و چه در ایام انتخابات ریاست‌جمهوری دوازده‌م و حتی امروز، پدیده باورپذیری برای آنها پدیده‌ای مبهم بوده است. آنها در دوره حز آقای هاشمی خیلی صفحه‌ای را دور داشتند و هرگز تصور نمی‌کردند رئیس‌جمهور این‌طور صحبت و حرکت می‌کند و روی وجهه خود باییستد. به‌ویژه در دوره ما خیر این پدیده و نوع عملکرد دکتر روحانی، دور از باور آنها بود. در انتخابات گذشته نکاتی را از قبل می‌دانستند و تا این حد قابل پیش‌بینی بود که دکتر روحانی کسی است مذاکرات هسته‌ای را راه‌اندازی کرده و به ایده اصلی او برای دولتش، رسیدن به توافق با قدرت‌های جهانی بر سر موضوع هسته‌ای است. حتی به نظرم رای‌دهندگان به آقای روحانی در سال ۹۲ هم این رویکرد را دنبال می‌کردند و با همین کلاه به رای او رأی دادند. اما اینکه دکتر روحانی در حوزه‌های فرهنگی و سیاست داخلی به اصلاح‌طلبان نزدیک شود و در موافقی نکاتی را مطرح کند که در دولت اصلاحات از طرف اصلاح‌طلبان هم مطرح نشده بود پدیده نبوغوری است که همچنان در باور جناح راست نمی‌گنجد. بنابراین باید بخشی از رفتارهای اخیر آنان را در این راستا ارزیابی کرد.

یعنی بخشی از مخالفت‌ها را در اثر شوکی می‌دانید که آقای روحانی به جریان مقابل وارد کرده است؟

شیرزاد: باید این شوک وارد شد. چون جریان مقابل این بود که چهره‌ای مانند دکتر روحانی در انتخابات ششمین مجلس برای جمع‌آوری رأی نشان می‌دهد، اما بعد از آن، می‌توان وی را مدیریت و مهار کرد. آنان به‌مرور فهمیدند دکتر روحانی قابل مدیریت نیست. در چنین شرایطی بعضی‌ها که فشارها را افزایش دهند و همه کارهایی را که آقای تاجزاده می‌کردند بر سر دکتر روحانی هم بیاورند. بالین‌حال اصرار دکتر روحانی این است که نشان دهند قابل مهار هستند. نکته دیگر این است که درهم‌ریختگی جناح اصولگرا که دکتر زیباکلام هم به آن اشاره کردند پدیده‌ای جدید و مهم است. اگر ما با جناح اصولگرای مدنی و سازمان‌یافته روبه‌رو بودیم که احزاب مشکل داشتند، کنفدراسیون گرفته برگزار می‌کردند، مرکزیت آنها مشخص بود، خط‌مشی سیاسی و اقتصادی روشنی را اعلام می‌کردند و با آن وفادار می‌ماندند، کار برای جریان اصلاحات و اعتدال آسان‌تر بود. اتفاقی که به موضوع سوکتسور و هم کار مستبرسی در ایران بود، مشکمیه که این ریقب متشکل را نداریم و این عقب‌ماندگی سیاسی و مدنی اصولگرایان مشکلی برای کشور است. اتفاقی که به‌نوعی این جناح را غیرقابل‌پیش‌بینی می‌کند. این وضعیت به‌گونه‌ای بود که تا یک ماه مانده به انتخابات حتی نمی‌دانستند چند کاندیدای اصلی دارند.

وقتی افرادی مثل بذرپاش و زاکانی در جمع کریمه‌های نهایی آنان قرار می‌گیرند، که یعنی این جریان با فقدان رجل سیاسی قابل طرح در کالبیر ریاست‌جمهوری مواجه است. از سوی دیگر برای خود من و بسیاری تحلیلگران اینکه ۱۴میلیون رای متکثر پشت رئیسی قرار بگیرد، اتفاق عجیبی بود. بنابراین نه می‌شود گفت جناح مشتت و درهم‌ریخته است، نه جناح منسجم؛ کاملا فضای احساسی همه هواداران جریان مقابل را پشت سر کسی سبز می‌کند و گاهی بسیار غیرمنجسم و درهم‌ریخته دیده می‌شوند و اختلافات بین آنها به اوج می‌رسد؛ مثلا اواخر دوران احمدی‌نژاد و حتی در جریان رقابت‌های انتخاباتی مجلس دهم. اما درباره نکته اصلی سؤال شما یعنی برخاتی به دولت، به‌عنوان یک نظریه می‌توان گفت رجل بسیار پارانویایی نیازمند، اعطای سبد کالا و... استفاده از تبلیغات، تبر نصیب رویکرد بنیادی است و طراحی و اجرای آن سخت و زمان‌بر است.

ادامه در صفحه ۱۱

سنگ پرتاب‌کردن در همه جهار سال آینده نباشیم و آنها به مرور به سمتی بروند که همه منافعی که دولت در جهت مخالف نظرات آنان دنبال می‌کند، بسته شود. نمونه این اتفاق را در ماجرای لوایح دوگانه دولت اصلاحات مشاهده کردیم. هدف اصلی آقای خاتمی این بود که مسئله بررسی صلاحیت‌ها و قوانین انتخاباتی، یک‌بار برای همیشه حل‌وفصل شود. ما در مجلس ششم از هر رهگذر اول می‌دیدیم چگونه در حال بستن فضا هستند. اما در حوزه‌های دیگری مثل اقتصادی که اصولگرایان هم بدشان نمی‌آید اقتصاد و مسائل بانک‌ها و... حل‌وفصل شود، به نظرم چندان با دولت روحانی درگیر نخواهند شد. براساس این تحلیل و تجربه است که می‌گویم به نظرم سنگ‌اندازی به ترپیون‌ها تا دو ماه دیگر تمام می‌شود چون جناح اصولگرا هم در چنین فضایی ضرر می‌کند.

چرا؟

شیرزاد: اینها خیلی زنده به ابهت و هیبت خود هستند. برایشان مهم است که سخنگویان این جریان وقتی پشت ترپیون قرار بگیرند، باید ابهتشان ظرف مقابل را بگیرد. اگر هر روز چنین کنند ابهتی باقی نخواهد ماند. خبرهایی هم آمده که برخی از لیدرهای اصولگرا از آنتن‌پس و... سخن می‌گویند. خب اگر قرار به این بود، می‌توانستند از اول جلوی شعارزده‌نده‌های رژ قدس و عید فطر را بگیرند. آقای روحانی مسیر درستی را طی کرده و صراحتا این پیام را داده که اگر بخواهند ابهت بشکنند، اینان هم در برخوردهای خود تجدید نظر می‌کند. البته آنچه گفتم یک پیش‌بینی سیاسی است و در سیاست، هیچ چیز قطعی نیست.

دکتر شیرزاد اشاره به حرف جناح اصولگرا از تداوم فشارها بر دولت کردند. دکتر زیباکلام هم در صحبت‌های خود دسته‌بندی‌ای از طیف‌های اصولگرا ارائه داد. در صحبت‌ها به انسجام‌نداشتن جریان مقابل اشاره شد. چنین جریان پلی کوبی آیا از یک قوه عاقله بهره‌مند است که طیف‌های مختلف را کنترل کرده و تصمیم بگیرد بیش از این دولت مستقر را تحت فشار قرار ندهد تا دولت گره‌های بی‌شمار مدیریت اجرائی کشور را باز کند؟ فکر نمی‌کنید آنها نشان داده‌اند راه مقاومه با آنها بسیار صعب‌العبور است؟

زیباکلام: من هم تا حد زیادی با دکتر شیرزاد هم‌عقیده هستم. حملات تریبونی به دولت و رئیس‌جمهور کاهش می‌یابد؛ چون راه به جایی نمی‌برد. دکتر شیرزاد درباره علائم هم درست می‌گوید. تا قبل از اینکه به این نشست برسم، چند رسانه تماس گرفتند و درباره برخی زمزمه‌های اصولگرایان درباره آشتی با دولت سؤال کردند. اما من می‌خواهم ماجرا را متفاوت ببینم. برخاش تندروها رگی است که گرفته است و دلیل آن، ۲۴ میلیون رای است. حتی خودشان را شوخی شوخی آماده کرده بودند که انتخابات به دور دوم برود. حسابشان هم درست بود؛ چون معمولا در مرحله دوم انتخابات، آرا ریزش می‌کند. اما اصولگرایان به دلیل اینکه طرف‌داران خود را در هر دو مرحله به صحنه می‌آورند؛ ریزش رای کمتری دارند. بخشی از پرتاب سنگ‌ها به دولت به خاطر ۲۴میلیون رای است. اما من می‌خواهم از منظر دیگری نگاه کنم. چهار سال آینده ایران به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر مهم‌ترین مسئله سیاسی ما پوست‌اندازی جناح راست است. دو غفده اصلاح‌طلبان و روحانی را ندارم؛ چراکه با همین ضریب زاویه به جلو می‌آیند. دو سال دیگر انتخابات مجلس یازدهم است. بسا هم همین حالت که یکسوم از لیست امید بیرون بیفتد و مستقلان به مجلس بیایند. اتفاق می‌افتد و خیلی لازم نیست تجزیه و تحلیل کنیم که اصلاح‌طلبان و دولت دوازدهم به کدام سمت‌وسو می‌روند. رایگذاری مشخص است؛ آنچه نامشخص است که می‌توانند هم خوب و هم بد باشد و البته خطرناک است. سمت‌وسوگیری اصولگرایان در این چهار سال است. طیف کندروهای که یک سر آن جبهه پایداری است و سر دیگر که آقای جنتی علی لاریجانی و دکتر احمد توکلی به‌عنوان تیپ معتدل و میانه‌رو هستند. با نحولات اینکه چه می‌کنند. من به عقیده‌ای استاد علوم سیاسی برایم مهم است که این پوست‌اندازی چگونه باشد؟

این اتفاق برخاست موافقت و مخالفت با روحانی هم اثرگذار است؟

زیباکلام: بله دقیقا. اینکه اصولگرایان یک سال دیگر تند نگرشی پیدا می‌کنند، بستگی به این پوست‌اندازی دارد. در چند سال گذشته بخشی از چهره‌های اصولگرا این جریان بعنی شخصیت‌هایی مثل مرحوم عسگراولادی یا آیت‌الله مهدوی‌کنی درگذشتند. چه کسی باید بیاید جای اینها بنشیند؟ جناح راست اصولگرا این در دو سه سال دست کدام طیف خواهد بود؟ آیا می‌توان گفت طیف لاریجانی هدایتگر آینده این جریان است؟ آیا دکتر حداد عادل است؟ آیت‌الله مصباح است؟ چه کسی هدایت اصولگرایان را برعهده می‌گیرد و با کدام تفکر به کدام سمت‌وسو می‌رود؟ یا نسل‌های جوان اینها که دوره ۳۰ ساله هستند، تبعیت و حرف‌شنوی از آیت‌الله شیخ محمد یزدی، احمد توکلی و علی لاریجانی خواهند داشت؟ اگر نه اساتید باشند چه کسی آنها را هدایت می‌کند؟ اصولگرایان ما که در عراق و سوئیس فعال نیستند که یکویم به ما مربوط نیست. آنها زشت یا زیبا خودشان باید کسی که مناثر می‌شود، بنده و جناح‌هایی و دکتر شیرزاد خواهیم بود.

دغدغه جدی دکتر زیباکلام روی آینده جریان اصولگرایی است. از جهت‌گیری این طیف نامستجم می‌شود تن بلغی را داشت که هدایت جریان را در اختیار خبرگان قرار بگیرد، روی رفتارها و مسائل مستقر تأثیر دارد؟ چون هر طیفی از روی مواقری حمایت می‌کند به موضوع سوکتسور و هم کار مستبرسی در ایران بود. اینکه چه کسی این ریقب متشکل را نداریم و این عقب‌ماندگی سیاسی و مدنی اصولگرایان مشکلی برای کشور است؛ اتفاقی که به‌نوعی این جناح را غیرقابل‌پیش‌بینی می‌کند. این وضعیت به‌گونه‌ای بود که تا یک ماه مانده به انتخابات حتی نمی‌دانستند چند کاندیدای اصلی دارند.

شیرزاد: فکر می‌کنم اتفاقاتی در راه است که شاید تحلیل آنها برای رسیدن به پاسخ سؤال شما مفید باشد. جناح راست باور دقیقی نسبت به آقای روحانی نداشت؛ چه در جناح راست و چه در ایام انتخابات ریاست‌جمهوری دوازده‌م و حتی امروز، پدیده باورپذیری برای آنها پدیده‌ای مبهم بوده است. آنها در دوره حز آقای هاشمی خیلی صفحه‌ای را دور داشتند و هرگز تصور نمی‌کردند رئیس‌جمهور این‌طور صحبت و حرکت می‌کند و روی وجهه خود باییستد. به‌ویژه در دوره ما خیر این پدیده و نوع عملکرد دکتر روحانی، دور از باور آنها بود. در انتخابات گذشته نکاتی را از قبل می‌دانستند و تا این حد قابل پیش‌بینی بود که دکتر روحانی کسی است مذاکرات هسته‌ای را راه‌اندازی کرده و به ایده اصلی او برای دولتش، رسیدن به توافق با قدرت‌های جهانی بر سر موضوع هسته‌ای است. حتی به نظرم رای‌دهندگان به آقای روحانی در سال ۹۲ هم این رویکرد را دنبال می‌کردند و با همین کلاه به رای او رأی دادند. اما اینکه دکتر روحانی در حوزه‌های فرهنگی و سیاست داخلی به اصلاح‌طلبان نزدیک شود و در موافقی نکاتی را مطرح کند که در دولت اصلاحات از طرف اصلاح‌طلبان هم مطرح نشده بود پدیده نبوغوری است که همچنان در باور جناح راست نمی‌گنجد. بنابراین باید بخشی از رفتارهای اخیر آنان را در این راستا ارزیابی کرد.

یعنی بخشی از مخالفت‌ها را در اثر شوکی می‌دانید که آقای روحانی به جریان مقابل وارد کرده است؟

شیرزاد: باید این شوک وارد شد. چون جریان مقابل این بود که چهره‌ای مانند دکتر روحانی در انتخابات ششمین مجلس برای جمع‌آوری رأی نشان می‌دهد، اما بعد از آن، می‌توان وی را مدیریت و مهار کرد. آنان به‌مرور فهمیدند دکتر روحانی قابل مدیریت نیست. در چنین شرایطی بعضی‌ها که فشارها را افزایش دهند و همه کارهایی را که آقای تاجزاده می‌کردند بر سر دکتر روحانی هم بیاورند. بالین‌حال اصرار دکتر روحانی این است که نشان دهند قابل مهار هستند. نکته دیگر این است که درهم‌ریختگی جناح اصولگرا که دکتر زیباکلام هم به آن اشاره کردند پدیده‌ای جدید و مهم است. اگر ما با جناح اصولگرای مدنی و سازمان‌یافته روبه‌رو بودیم که احزاب مشکل داشتند، کنفدراسیون گرفته برگزار می‌کردند، مرکزیت آنها مشخص بود، خط‌مشی سیاسی و اقتصادی روشنی را اعلام می‌کردند و با آن وفادار می‌ماندند، کار برای جریان اصلاحات و اعتدال آسان‌تر بود. اتفاقی که به موضوع سوکتسور و هم کار مستبرسی در ایران بود، مشکمیه که این ریقب متشکل را نداریم و این عقب‌ماندگی سیاسی و مدنی اصولگرایان مشکلی برای کشور است؛ اتفاقی که به‌نوعی این جناح را غیرقابل‌پیش‌بینی می‌کند. این وضعیت به‌گونه‌ای بود که تا یک ماه مانده به انتخابات حتی نمی‌دانستند چند کاندیدای اصلی دارند.

وقتی افرادی مثل بذرپاش و زاکانی در جمع کریمه‌های نهایی آنان قرار می‌گیرند، که یعنی این جریان با فقدان رجل سیاسی قابل طرح در کالبیر ریاست‌جمهوری مواجه است. از سوی دیگر برای خود من و بسیاری تحلیلگران اینکه ۱۴میلیون رای متکثر پشت رئیسی قرار بگیرد، اتفاق عجیبی بود. بنابراین نه می‌شود گفت جناح مشتت و درهم‌ریخته است، نه جناح منسجم؛ کاملا فضای احساسی همه هواداران جریان مقابل را پشت سر کسی سبز می‌کند و گاهی بسیار غیرمنجسم و درهم‌ریخته دیده می‌شوند و اختلافات بین آنها به اوج می‌رسد؛ مثلا اواخر دوران احمدی‌نژاد و حتی در جریان رقابت‌های انتخاباتی مجلس دهم. اما درباره نکته اصلی سؤال شما یعنی برخاتی به دولت، به‌عنوان یک نظریه می‌توان گفت رجل بسیار پارانویایی نیازمند، اعطای سبد کالا و... استفاده از تبلیغات، تبر نصیب رویکرد بنیادی است و طراحی و اجرای آن سخت و زمان‌بر است.

ادامه در صفحه ۱۱

یعنی این اقداماتی که الان شاهد هستیم که در موردی حتی قابل تصور هم نیست، نسبت به گذشته، آرام‌تر شده است؟ شواهد می‌گوید این‌طور نیست.

شیرزاد: در مجلسه دانشگاه و بیرون از آن، رفتارهای تند طرف مقابل بسیار بسیار کمتر شده است.

زیباکلام: من می‌خواهم بگویم هم آقای شیرزاد درست می‌گوید هم شما. چون ایشان می‌گویند من دانشجویان اصولگرا را می‌بینم، من هم بچه‌های بسیجی دانشکده خودمان را می‌بینم که می‌خواهند با آنها حرف زد. اما شما هم درست می‌گویید چون در این طیف کسانی هستند که خیلی اخیر رخات می‌گویند زیباکلام هم چه زنده است؟ به‌همین‌دلیل می‌گویم از باب لیدری اصولگرایان مهم است که چهار سال دیگر، کدام طیف در آنها، زمام امور را به دست بگیرد.

شیرزاد: چرا در یک جامعه دموکراتیک مثل آلمان و فرانسه، گروه‌های تندرو نمی‌توانند اکثریت شوند؟ چون جامعه نمی‌پذیرد مگر اینکه فضای خاصی ایجاد شود. در ایران هم تریبت و رشد فرهنگی جامعه، باعث شده بسیاری بسیار زده شده بودن. این پدیده همه‌ی اصولگرایان نمی‌توانند بگویند از این رفتار جامعه مهم است و با تفکر تندروها، اتفاقی نیفتاده. اینکه ۵۰ نفر متمرکز بیایند روز قدس رئیس‌جمهور را اذیت کنند، بحث قابل گذشتی نیست اما در دوره‌های گذشته در هر شهر و روستایی گروه فشار بالانگیزه‌ای داشتند که دست به این اقدامات می‌زد.

زیباکلام: بله نسبت به شرایط گذشته در سخنرانی‌های استانی، فعالیت گروه‌هایی که از برخورد فیزیکی هم ابایی نداشتند، کمتر شده است.

شیرزاد: می‌خواهم بگویم فضای تورینی در نسل‌های جدید، سبب شده تنوان به‌سادگی به کسی بگویند جوک نوبرزاد را بلن و او هم بلند چوشم! همین بچه‌های دانشجوی وقاحتی به جریان باید را قبل در دانشگاه حضور داشتند. به‌راحتی حاضر بودند برنامه من را به هم بزنند. الا حس می‌کنند کار درستی نیست و با شخصیت آنها مطابقت ندارد. این یک پدیده اجتماعی است. به‌هرحال برخی از اینها تحصیل‌کرده‌اند و حتی رفتند جارج و برگشتند. وضع اقتصادی آنان هم رشد کرده است. شاید بگویید از رفتار استفاده کردهاند. اما به‌هرحال این مسئله تأثیر خود را دارد. خانواده‌ای که وضع اقتصادی خوبی نداشته، حالا به پول قابل توجهی دسترسی پیدا کرده که بر اثر آن فیلم می‌بیند، به مراکز تفریحی می‌رود و زندگی عادی مردم را مشاهده می‌کند. آن وقت متوجه می‌شود تفرقه دکتر یا تا نفکر اکثر مردم که به دنبال رفاه و زندگی آرام و کم‌درسر هستند، تفاوت دارد. همین الان اگر تلگرام یا اینستاگرام فیلتر شود، صدای عده زیادی از جوانان حامی اصولگرایان درمی‌آید. برای اینکه اینها جزء زندگی آنان هم شده است. به این دلیل می‌گویم شانس اینکه اصولگرایی به سمت رفتار خشن‌تر برجرخد، صفر نیست، اما خیلی کمتر از گذشته است. اینها الان به سمت رفتار مدنی‌تر میل می‌کنند. اما نباید تصور کنیم اینها هم مثل من و شما می‌شوند. اینها خاصیت خود را دارند. اما همیکه حاضر می‌شوند در انتخابات مثل همه ستاد بزنند، برنامه و تبلیغات داشته باشند. اتفاق قابل قبولی است. درست است که پس از تجربه‌نگرفتن حرف‌هایی زده‌اند و موضوع را برای حرام و حلال با پیش کشیدند. اما اولا فهمیدند در حرف خطرناکی زده‌اند و سعی در رفع و رجوع آن کردند و در آخر هزینه را هرچند و کمتر بدهند. به‌هرحال آنها در قاعده‌ای دموکراتیک بازی کردند. به‌هرحال آنها در چارچوب قانون از امتیازات غیرعادلانه نسبت به ما برخوردار هستند. اما تغییر کردهاند.

با این حساب، اتفاقات صورت گرفته از جهت از چطور ارزیابی می‌کنید؟ چرا این رفتارهای تند و مواضع بی‌دلیل از برخی از آنان سر می‌زند؟

شیرزاد: اینها مال هسته سخت است که فکر می‌کنند با فشار می‌توانند پیچ دولت را به سمت کشش بچرخانند. مسئله اینکه آنها نه نظر من تنقل. کابینه است. می‌خواهند به دولت روحانی حرکت کنند، با برخوردهای تند مواجه می‌شود. این یک دوره آزمایشی است. من هم مثل دکتر زیباکلام معتقدم پیوست‌اندازی جناح راست مهم است و از قبل، یعنی دورانی اصلاحات شروع شد، اما مجموع شاخص می‌گوید کمتر احتمال موضع به سمت تندروی رد است.

در انتخابات سال ۹۲ بعد از پیروزی روحانی، نوعی سکوت و انفعال در جریان مقابل دیده می‌شد. شاید حس می‌کردند وقتی نقابی نیامد و مخالفی رصدواحیت شد، بعید است عارف و روحانی رای بیاورند. اما این دوره اصلاحات‌طلبان می‌دادند دکتر روحانی زیمن‌جمهور دو دوره‌ای باشند و از قبل آماده شدند. فضای خارجی هم اجازه می‌داد. چند ماه اول مذاکرات هسته‌ای، جریان مقابل را به‌شدت منفعل کرده بود. مخصوصا وقتی درافکار عمومی با مذاکرات هسته‌ای وجود جلیلی مطرح می‌شد. امروز با بودن ترامپ و محمد بن‌سلمان و... آقای روحانی کار دشواری با منتقدان جریان مقابل دارد.

شیرزاد: شما درست می‌فرمایید. به‌هرحال آن جریان‌های رادیکال بیرون این جریان خودشان دوست داشتند این به نفع جریانات رادیکال خارج باشد. تندروهای ما بعد از مذاکرات هسته‌ای، مسئله اینکه آنها به نظر من تنقل. کابینه است. می‌خواهند به دولت روحانی حرکت کنند، با برخوردهای تند مواجه می‌شود. این یک دوره آزمایشی است. من هم مثل دکتر زیباکلام معتقدم پیوست‌اندازی جناح راست مهم است و از قبل، یعنی دورانی اصلاحات شروع شد، اما مجموع شاخص می‌گوید کمتر احتمال موضع به سمت تندروی رد است.

در انتخابات سال ۹۲ بعد از پیروزی روحانی، نوعی سکوت و انفعال در جریان مقابل دیده می‌شد. شاید حس می‌کردند وقتی نقابی نیامد و مخالفی رصدواحیت شد، بعید است عارف و روحانی رای بیاورند. اما این دوره اصلاحات‌طلبان می‌دادند دکتر روحانی زیمن‌جمهور دو دوره‌ای باشند و از قبل آماده شدند. فضای خارجی هم اجازه می‌داد. چند ماه اول مذاکرات هسته‌ای، جریان مقابل را به‌شدت منفعل کرده بود. مخصوصا وقتی درافکار عمومی با مذاکرات هسته‌ای وجود جلیلی مطرح می‌شد. امروز با بودن ترامپ و محمد بن‌سلمان و... آقای روحانی کار دشواری با منتقدان جریان مقابل دارد.

شیرزاد: یعنی طرف مقابل نباید احساس کند این نوع روش‌ها نتیجه می‌دهد.

زیباکلام: بله البته انجام آن بسیار سخت است و گفتنش برای صادق زیباکلام که الان در روزنامه «شرق» نشسته راحت است. فراموش نکنیم دکتر روحانی هم از کوشت و پوست یک انسان است و ممکن است وقتی طا